

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



منبع: صفحه اینستاگرام «آیت‌الله حائری شیرازی»



مجید خسروانجام، تصویرگر، با انتشار نقاشی فوق در صفحه اینستاگرام خود نوشت: یکی از معضلات بزرگ ما اینه که بعضیامون خیال می‌کنند هر کی عین اونا فکر کنه، پس در اشتباهه. از این معضل، بزرگ‌تر اینه که بعضیامون خیال می‌کنند اگه با روی تفکرات قدیمی بگنارن، خیلی کار بزرگی کردند. سخت گفتیم؟ ساده‌ش می‌شه این: نه من حق مطلقم، نه کسی که مخالف منه. من هم اشتباهاتی دارم. او هم همین‌طور. همدیگه رو مجبور نکنیم عین ما فکر کنه.



حسن بایور در کانال تلگرامی خود نوشت: رژیم سعودی اقدام به تأسیس شبکه آذریبایجان اینتر نشنال با هدف دامن زدن به شکاف‌های قومیتی و تشدید رویکردهای تجزیه‌طلبانه کرده‌است. زمانی که عربستان سعودی، همزمان با روی کار آمدن طالبان، تلویزیون افغانستان اینتر نشنال را افتتاح می‌کند یعنی قرار است همان سناریو و خط تجزیه و درگیری اقوام که ایران اینتر نشنال دنبال می‌کند را در افغانستان ادامه دهد. عدم یکپارچگی مردم افغانستان در همه‌های اخیر، پیش از آن که به دلیل اختلافات اعتقادی و مذهبی باشد، منج از اختلافات قومی و قبیله‌ای است.



روزنامه جوان | شماره ۶۳۱۰ | شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰ | ۱۸ صفر ۱۴۴۳ |



انتشار کلیپی از سوی «حامین مدیا» با واکنش‌های بسیاری در روزهای اخیر همراه بود. در این کلیپ از چند دختر جوان ابتدا در خصوص ارادت‌شان به شهدا سؤال کرده و سپس از معیارهای ازدواج آنها پرسیده‌اند. دختران که همگی از ارادت به شهدا می‌گویند و معیارهای خود برای ازدواج را ایمان، تقوا، اخلاق و... معرفی می‌کنند اما حاضر به ازدواج با افرادی با مشاغل ضایعاتی، فلافل فروش، راننده وانت، بنا، کفکش و... نیستند و وقتی در انتها متوجه می‌شوند که شغل بسیاری از شهدا از این دست

و... داریم و خودمون رو بالاتر و برتر از اونا می‌بینیم. این بدبختیات رو خود سازندگان کلیپ هم نفهمیدن گویا!

فائزه ترافی: اساساً چنین مقایسه‌ای یک مغالطه است. یعنی نمی‌شود ملاکت برای ازدواج ایمان و اخلاق فرد باشد اما از طرفی هم دنبال خانواده‌ای باشی که حداقل از نظر شغلی با تو هم‌سطح و هم‌فرهنگ باشند. اگر فرد بایامنی را پیدا کنیم ولی از نظر فرهنگی زمین تا آسمان با او فرق داشته باشیم زندگی خوبی خواهد شد؛ این نه نفاق که عقلائیست است.

امیرملکی: به قول استاد همسون نفاق‌های ریز تو وجودمون داریم، مثل همین معیارهای ازدواج خیلی‌هامون تر حرافمون از تعهد و ایمان دم می‌زیم ولی در عمل دنبال اهداف دیگه‌ای هستیم.

میلااد نیک‌میرام: واقعیت اینه اکثر جامعه دچار فانتزی هستن، حالا این فانتزی می‌تونه مذهبی باشه یا غیرمذهبی؛ اشما می‌تونسی عاشق فلان

گایوپران



بوده است، ابر از سگفتنی می‌کنند و برخی ابر را می‌دارند که نظر آنها عوض شده است و برخی دیگر معیارهای بیان شده را فراتر از شغل افراد می‌دانند. این کلیپ موافقان و مخالفان بسیاری در شبکه‌های اجتماعی داشته است. برخی از اساس با این مقایسه مخالفند و آن را نوعی مغالطه می‌دانند و برخی با تکیه بر اصل هم‌کفوی در ازدواج، با دختران موافقت‌اند اما برخی دیگر از شعاری بودن شعارهای دختران می‌گویند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران موافق و مخالف مرور شده است.

اونارو نمی‌فهمیم، از خدا می‌خواوم در ک و فهم حرف‌هامون عمق بدیم، کسی که در عرض ۲۰ ثانیه کل باورهای (بخوانید فانتزی) فرومی‌ریزه قطعاً تو زندگی مشترک به مشکل می‌خوره.

مجتبی نوروزی: آموزش بهترین راه جلوگیری از این نوع فانتزی بازی‌ها یا به‌قول من متوهم شدن هاست. به نظر من آموزش و پرورش باید از اون سنتی‌گرایی خودش بیرون بیاد و با همکاری صلوصیسارنامه‌های متناسبی بااین مدل‌های رفتاری تعریف کنند. البته تعریفی که به نتیجه برسه نه فقط ایجاد هزینه کنه.

آهوا بر ایمیعی: وا، الان راننده وانت و فلافل فروش و... در آمدشون از کارمند خیلی بیشتره. حالا درسته که خیلی از دخترها شعار دادند خوب بدن (درست مثل خیلی از پسر) ولی شما هم همه رو با به چوب نرویند چون ممکنه جوون‌ها با دیدن این‌جور توثیث‌ها از ازدواج ناامید بشن و این اصلاً خوب نیست.

حنافر زانه: زندگی با شهدا سخت نیست، ما میم که

داستان مبهم بازمانده تایتانیك كه آبرویش را بردند

الهام عابدینی در رشته توتیتی نوشت: آقای ماسابومی هوسونو، تنها مسافر ژاپنی کشتی تایتانیك بود که البته خودش رو به قایق نجات رسوند و زنده موند اما چه زنده موندنی! تا آخر عمر در ژاپن به عنوان بزدل خطاب شد و در فقر و شرمندگی فوت کرد؛ چون تحقیقات نشون داد هوسونو قاچاقچی بود و احتمالاً با پوشیدن لباس زنانه تونست نجات پیدا کنه. مجلس سناى آمریکا در تحقیقاتش این موضوع رو منتشر کرد و یک نویسنده کتاب پرفروشی درباره تایتانیك هم به او لقب مسافر قاچاق قایق نجات



شماره ۱۰ داد. ده‌ها سال بعد از مرگش گفته شد این داستان که نمادی از بی‌اخلاقی در ژاپن بود و حتی در کتب درسی هم اومد، احتمالاً درست نبود! #فرهنگ_ژاپن

مجمسه‌ای که با رأی دادگاه به خانه باز می‌گردد
کانال تلگرامی «پادکست پاراگراف» نوشت: بدون اینکه به عکس دوم نگاه کنید می‌تونید حدس بزنید این چیه؟ مجسمه بودا، درسته؟ خال‌عکس دوم رو نگاه کنید... این مجسمه، مومیایی یک راهب بودا بیه که مدتی پیش از طریق سی‌تی‌اسکن داستانش برملا شد.
زمان ساختن این مجسمه طلائی‌رنگ که از پایپه‌ماشه درست شده به حوالی سال ۱۱۰۰ میلادی برمی‌گردد. ماجرا از این قراره که خیلی از راهبان بودایی، برای تهنید و تزکیه نفس، سال‌ها خودشون رو به گرسنگی و عادت‌های غذایی سرسختانه عادت می‌دادن و در واقع خودشون رو برای مومیایی شدن آماده می‌کردن. وقتی مرگ راهب فرامی‌رسید، اون‌هارو مومیایی می‌کردن و برای همیشه مورد احترام قرار می‌دادن. و اما این مجسمه مومیایی به احتمال زیاد متعلق است به استاد ژان گونگ که یکی از راهب‌های مشهور و خوش‌نام چین در زمان سلطه سونگ بوده و در ۲۷سالگی به پیشواز مرگ رفته. حدود ۲۰ سال پیش، یعنی قبل از اینکه اصلاً کسی خبر داشته باشه داخل این مجسمه چیه، اون رو از روستای فوجیان چین دزدیده بودن و به هلند برده بودن... حالا و بعد از کشف ماجراهای این مومیایی، دادگاهی تو چین دستور داده که مجسمه باید به خون‌هاش برگرده.

انسان تنوع طلب نیست
مطلوبش را که در آن آرام بگیرد، نمی‌یابد
محمدصادق عبدالهی در صفحه تلگرامی خود گزیده‌ای از صفحه ۵۱ کتاب «توحید» اثر «استاد شهید مرتضی مطهری» را به اشتراک گذاشت. شهید می‌فرماید: یکی از اشتباهات بزرگ همین است که بعضی خیال می‌کنند انسان طبعاً طالب تنوع است و اصلاً تنوع را و اینکه از نوعی به نوع دیگری، لذت‌ها و محبوب‌هایش را عوض کند، دوست دارد و خود تنوع مطلوب است، در صورتی که این طور نیست و اینکه تنوع مطلوب است به این علت است که هیچ مطلوبی قدرت ندارد مطلوبیت خودش را برای همیشه حفظ کند و جهش این است که آن مطلوب، مطلوب مجازی بشر است و مطلوب واقعی و حقیقی نیست. اگر شستی مطلوب واقعی و حقیقی باشد، انسان از او سرد نمی‌شود و اگر از او سرد نشد طالب تنوع نیست...
...به صورت یک اصل کلی و به صورت حصر می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطَوُّتُ الْقُلُوبِ». بدانید تنها با یاد خداست که دل‌ها از آرمش پیدا می‌کند»؛ یعنی ایل دل انسان، روح انسان و قلب انسان طوری ساخته شده است که هیچ چیزی قدرت ندارد به او طمأنینه و آرامش بدهد. آجز ذکر خدا! این معنایش این است که آن هدف اصلی که در بشر وجود دارد که دنبال او می‌رود و خودش هم توجه ندارد، جز خدا چیز دیگری نیست، و لهذا به هر چیز دیگری برسد، طولی نخواهد کشید که آن گرمی و حرارت و شوق، مبذل به سردی خواهد شد و تنها یک چیز است که اگر انسان به او برسد از زوی تغییر دادن و تبدل و تنوع در آن نیست.

پرسش‌های شایسته بازاندیشی در اول مهر
مهندس شهرام حلاج در کانال تلگرامی خود نوشت: داگلاس نورث (برنده جایزه نوبل اقتصاد)، می‌گوید: «برای بررسی امکان توسعه، اصلاً لازم نیست سراغ فناوری‌ها و ابزارهای مورد استفاده بروید؛ بلکه برای ارزیابی امکان توسعه و پیش‌بینی آینده بیندین آموزش چگونه است.» نورث می‌افزاید، بیش از آنکه بپرسید «چه چیز آموزش می‌دهند؟» بررسی کنید «چگونه آموزش می‌دهند؟» بررسی کنید «یا آموزش، بار آوردن افرادی پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌پذیر، خطرپذیر، اهل گفت‌وگو و تعامل و دارای روحیهٔ مشارکت جمعی و همکاری است؟» راستی ما در حالی که پیوسته خود و نیروهای سازمان خود را به دوره‌های آموزشی اعزام یا دوره‌های آموزشی برگزار می‌کنیم و تازه‌ترین و گران‌ترین تجهیزات ارتباط از راه دور را خریداری و نصب می‌کنیم، اما چقدر بررسی می‌کنیم که «آموزش چگونه انجام می‌شود؟» توسعه مهارت‌ها برای تبدیل هر یک از ما به شخصی با ویژگی‌های زیر، چه جایگاهی در آموزش‌های ما دارد؟ پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌پذیر، خطرپذیر، اهل گفت‌وگو و تعامل و دارای روحیه مشارکت جمعی و همکاری.

ژاپن چگونه ژاپن شد؟
از انفعال و تقابل تایادگیری و تعامل
ژاپن کشوری است که توانست طی یک قرن تلاش (از ۱۸۶۸ تا ۱۹۷۰) خود را به جمع کشورهای توسعه‌یافته جهان برساند. این کشور در حال حاضر با بیش از ۵ تریلیارد دلار تولید ناخالص ملی سومین اقتصاد دنیاست و توانسته به عنوان پیش‌سات بسیاری از حوزه‌های صنعتی، بازارهای زیادی را به تسخیر خود درآورد. این کشور دارای جغرافیای خاصی است و همچنین از ذخایر زیرزمینی و طبیعی محروم است. با این حال ژاپن امروز توسعه بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای شرق و جنوب شرق آسیاست. چه عواملی باعث شد تا ژاپن تبدیل به یک استثنا شود و این تصور جاافتاده که توسعه فقط در کشورهای غربی رخ می‌دهد را در هم بریزد؟ در اینجا به چند درس آموخته تاریخی از روند توسعه ژاپن اشاره خواهیم کرد:

● **اولین روبرویی‌های ژاپن با غربی‌ها:** پیش از آنکه در اواسط قرن نوزدهم چهار کشتی نظامی امریکایی معروف به «کشتی‌های سیاه» روانه سواحل ژاپن شوند و ژاپنی‌ها را تهدید و مجبور به برقراری تعاملات و مبادلات تجاری با دنیای غرب نمایند، بر تعالی‌ها توانسته بودند در قرن شانزدهم خود را به سواحل این جزیره دورافتاده برسانند. ژاپنی‌ها که در روبرویی با امریکایی‌ها خود را موضع ضعف دیدند، به این فکر افتادند که برای برهم‌زدن این رابطه و تعامل یک‌طرفه باید بر قدرت و اقتدار نظامی و اقتصادی خود بیفزایند. به همین دلیل در اولین گام به فکر برکنار کردن حکومت مستقر و جایگزین کردن آن با امپراتوری جدیدی بود که در رأس آن جوانی خوش فکر و توسعه‌خواه به‌نام «می‌جی» قرار داشت.
● **تفلیق علم و فناوری غربی با فرهنگ و اخلاق شرقی:** امپراتور می‌جی و روشنفکران جوان و خوش فکری که در کنار او بودند به این نتیجه رسیدند که توسعه صنعتی و اقتصادی در سایه توسعه فرهنگی و تربیتی حاصل می‌شود. بنابراین، دوره‌ها را در دست‌خود کار خود قرار دادند: اول، کسب علم و دانش و تجربه‌های موفق هر چند تا نزد کشورهای غربی بود، دوم، سوار کردن علم و دانش به دست آمده از بیرون مرزها بر ارزش‌های فرهنگی بومی کشور ژاپن. به همین دلیل دانشجویان زیادی برای فراگیری فنون دریایی و کشتیرانی به انگلستان برای آموزش به آلمان، برای امور حقوقی و قانونی به فرانسه و برای امور تجارت و بازار گانی به امریکا فرستاده شدند. در کنار این اقدام، تلاش شد تا به پرورش ارزش‌های اجتماعی لازم برای گذار به توسعه نظیر صداقت، وفاداری، امتداری، سختکوشی و فداکاری در میان نسل جدید پرداخته شود.



مجتبی نوروزی: آموزش بهترین راه جلوگیری از این نوع فانتزی بازی‌ها یا به‌قول من متوهم شدن هاست. به نظر من آموزش و پرورش باید از اون سنتی‌گرایی خودش بیرون بیاد و با همکاری صلوصیسارنامه‌های متناسبی بااین مدل‌های رفتاری تعریف کنند. البته تعریفی که به نتیجه برسه نه فقط ایجاد هزینه کنه.

آهوا بر ایمیعی: وا، الان راننده وانت و فلافل فروش و... در آمدشون از کارمند خیلی بیشتره. حالا درسته که خیلی از دخترها شعار دادند خوب بدن (درست مثل خیلی از پسر) ولی شما هم همه رو با به چوب نرویند چون ممکنه جوون‌ها با دیدن این‌جور توثیث‌ها از ازدواج ناامید بشن و این اصلاً خوب نیست.



حنافر زانه: زندگی با شهدا سخت نیست، ما میم که



پیش از رالز حرف‌های مشابهی زده‌اند. بعد از همه اینها، دو دقیقه درباره عدالت در نظر رالز می‌گوید، در حد چیزی که هر کسی می‌تواند در ابتدای مدخل ویکی‌پدیا بخواند. بعد ابراز تأسّف می‌کنند از اینکه وقتش تمام شده است.
۶- سعی می‌کنند مکاتیب و نظر به‌های مشهوری را فی‌المجلس و در پنج دقیقه (با در یک‌ونیم صفحه) به کلی رد کنند.
۷- به‌جای استدلال منطقی، شعر می‌خواند و اقوال بزرگان را نقل می‌کند. نقل‌هایش از جنس چیزهایی است که مثلاً در سنات‌های پیدا می‌شود که روزی یک جمله زیبا منتشر می‌کنند. خیلی که عمیق بشود، می‌رسد به چیزی از جنس «خدا تاس بازی نمی‌کند.»

۲- از او «نمی‌دانم» یا «بلد نیستم» یا «نخواندم» زیاد نمی‌شنوید (و «قطعاً» و «حتماً» زیاد می‌شنوید.)

۴- عبارات و جملات غامض به کار می‌برد و وقتی هم از او بخواید درباره فلان عبارت که ظاهراً چونان اصطلاحی فنی به کارش می‌برد (مثلاً «پاراادیم ذهنی متناظریکی لاک-سینوزا») کمی توضیح بدهد، عملاً می‌گوید اگر با این اصطلاح موضوع آشنا نیستید اصلاً حق نداشته‌اید که وارد بحث بشوید. مدعا و طرح استدلالش را هم به‌صراحت و باختمار نمی‌گوید، حتی اگر خواهش ندارد.

۵- در بحثش فراتر از مقدمات نمی‌رود. مثلاً عنوان سخنرانی‌اش می‌گوید که «۱۰ ناسازگاری‌ای هست بین فلان ایده جان کدام هم از جاق دقتی نمی‌دهد.